

یادداشت سیاسی

مهدی سامع

mehdi_samee@yahoo.com

خط سرخ: امنیت ولایت فقیه

تمام شواهد و قرائن نشان می دهد که استبداد مذهبی حاکم بر ایران در صدد است تا به هر شکل ممکن از مخاصمات، تضادها و چالشهای بین المللی به سود خود و در جهت بقای حاکمیت ننگین خود استفاده کند.

برای این امر جمهوری اسلامی به بازی چند جانبه ای با چین، روسیه و اتحادیه اروپا مبادرت می ورزد و همزمان از هماهنگی و رعایت قواعد بازی در زمینه سیاسی امتناع می کند. مساله عدم هماهنگی با طرفهای مورد معامله یکی از مهمترین چالشهای درون حاکمیت ایران است. نیروی اصلی حکومت یعنی ولی فقیه و طرفدارانش، ضمن آن که به ساخت و پاختها در عرصه بین المللی و منطقه ای بهای لازم را می دهند، اما همواره حفظ امنیت «محور نظام» که امنیت کل نظام استبدادی مذهبی را تامین می کند برایشان اهمیت درجه اول داشته و هیچ تضاد و چالشی اجازه نمی یابد که از این خط سرخ عبور کند. دستگاه عریض و طویل ولی فقیه با حفظ این خط سرخ ستر، هر ساخت و پاخت دیگر را مجاز می داند. البته ایادی گوش به فرمان ولی فقیه بنا به تقسیم کار درونی «بیت رهبری» در موارد ضرور و به منظور ایجاد تعادل داخلی با این و یا آن «مذاکره» با طرفهای خارجی مخالفت می کنند و ابایی هم از حمله به آن دسته از کارگزاران رژیم که طرف مذاکره و معامله با طرفهای خارجی هستند ندارند. البته کارگزاران رژیم در مذاکرات خود از این به اصطلاح انتقادات و مخالفتهای در چانه زنی با طرفهای خارجی به میزانی که بتوانند استفاده می کنند.

در مذاکرات اخیر رژیم ایران با سه کشور اتحادیه اروپا این متد کاملا رعایت شد.

به طور مثال وقتی روز دو شنبه ۲۵ آبان جلسه مصاحبه مطبوعاتی حسن روحانی با یک ساعت تاخیر آغاز شد، روحانی علت این تاخیر را «گفتگوی تلفنی مفصل با جک استرا، وزیر خارجه بریتانیا» اعلام کرد. به احتمال زیاد حسن روحانی در این گفتگوی تلفنی حرف علی لاریجانی را به جک استرا یادآوری کرده تا بتواند در حدی که مقدور است گران فروشی کند. به نوشته روزنامه ایران سه شنبه ۲۶ آبان «جک استرا در این مکالمه به تعهدات اروپا در موافقت نامه خود با ایران تاکید کرده است.»

نگاهی به بعضی از رویدادها و اظهار نظرها نشاندهنده آن است که این چند زبانه بودن، تا جایی که به طرفداران ولی فقیه بر می گردد، از یک تضاد واقعی و جدی نشأت نگرفته و در اساس اجرای نقشهای متفاوت در یک بازی درونی به منظور «چانه زنی» و «گران فروشی» در رابطه با طرفهای خارجی مذاکره کننده است.

وقتی در اواسط مهر ماه (حدود ۴۵ روز پیش) اکبر هاشمی رفسنجانی برد موشکهای شهاب ۳ را هزار و پانصد کیلومتری اعلام و تاکید کرد که اروپا در دسترس این موشکها قرار دارد و این باعث واکنش شدید اسرائیل و کشورهای اروپایی شد، به نظر می رسد که رفسنجانی با حرفهای تحریک آمیز یک خط سیاسی مرتکب شده است. اما در روز پنج شنبه ۳۰ مهر که روزنامه ها و خبرگزاریهای دولتی در گزارشهای خبری خود جلسه مدیران وزارت خارجه های ایران و سه کشور اروپایی در وین را با اهمیت اعلام کردند، همین رسانه ها با چاپ عکسهایی از موشک شهاب در صفحات اول خود خبر دادند که در «آزمایش دیروز قابلیتهای تازه شهاب ۳ اندازه گیری» شده است. علی شمخانی، وزیر دفاع رژیم در پایان این مانور «سخن گفتن درباره برد موشک جدید را منتفی دانست» و گفت «ما هیچ وقت برد موشکها را اعلام نمی کنیم.» (همشهری پنج شنبه ۳۰ مهر)

کاربرد حرفهای پاسدار شمخانی که با مشخصاتی که رفسنجانی قبلا اعلام کرده تکمیل می شود، در مذاکرات وین خواهد بود به خصوص آن که تیتربزرگ روزنامه همشهری که آن را ارگان گوش به فرمانهای ویژه خامنه ای می نامند در همین روز چنین بود: «ایران ارجاع پرونده به شورای امنیت را به دست شستن از غنی سازی اورانیوم ترجیح می دهد.»

با این حال در ورای نمایش چند زبانی در میان سینه چاکان ولی فقیه، برای خود خامنه ای موضوع اتم، یک «فرصت» و «تهدید» است که او نمی تواند به سادگی اهداف خود را در این زمینه عملی کند. از این روست که بازی با کارتهای مختلف بر بستر خط سرخ نظام جایز شمرده می شود.

اما بازی با کارتهای مختلف گرچه در شرایط کنونی برای خامنه ای یک فرصت است، اما از آن جا که در این بازی منافعی برای همه ی طرفهای ذینفع مورد نظر است و هیچ یک از طرفها نمی تواند از پیش خود را بازنده کامل اعلام کرده و صحنه را ترک کند، روند بازی با چالشهای جدی مواجه می شود که سرانجام پیروزمندانه بودن آن برای همه ی طرفهای درگیر، مستلزم عبور از سد ولایت فقیه در ایران است. در پیرامون این سد که منطبق با خط سرخ رژیم ایران می باشد، تضادها و کشمکشهای واقعی شکل می گیرد و هیچ کس بهتر و بیشتر از ولی فقیه نظام به این امر آگاه نیست که امر همآهنگی با همه ی طرفهای خارجی و ایجاد تعامل پایدار با آنان، مستلزم ویران کردن بارگاه ولایت فقیه بر سر ولی فقیه است.

تمامی پیشنهادهای رژیم ایران به طرفهای اروپایی برای جلوگیری از چنین عبوری طراحی می شود و برای همین است که مساله «امنیت» ورد زبان مسئولان پرونده اتمی رژیم است.

روزنامه همشهری در شماره روز چهارشنبه ۶ آبان با نقل قول از حسن روحانی که گفته است: «اروپا و آمریکا هر دو در پی ارسال پرونده ایران به شورای امنیت هستند» نتیجه گرفته که برای خنثی کردن این تهدید دو گام لازم است: «نخست شکستن دور فعلی تهدیدهای اروپا و در گام دوم، ملاقات با مقامات عالی رتبه کشورهای منطقه برای گوشزد کردن عواقب و خطر این تنش و خطرات آن برای منطقه.»

اما شکستن تهدید اروپا برای طرفهای دیگر می تواند به میزانی زیان آور باشد. روزنامه همشهری در شماره روز بعد می نویسد: «روسها از احتمال معامله ایران و اروپا بر سر ساخت نیروگاههای تازه ابراز نگرانی کرده اند ولی مقامات هسته ای آن کشور گفته اند پیشنهاد اتحادیه اروپا برای همکاری در ساخت نیروگاه و تحویل سوخت به ایران تهدیدی برای روسیه نیست چراکه سه کشور اروپا عجله ای ندارند تا معامله با ایران را شروع کنند.»

برای روسیه که تاکنون، در یک معامله شیرین برای ساخت یک نیروگاه چرنوبیلی، سود سرشاری عایدش شده، ورود فرانسه و یا آلمان به بازار اتمی ایران رضایت بخش نیست. اما از آن جا که روسیه می داند که برای رژیم ایران «انرژی اتمی» بهانه ای بیش نیست و هدف اصلی جمهوری اسلامی سلاح اتمی است، بنابراین روسیه هر معامله نقد را بر ورود به چالش استراتژیک مناقشه اتمی ترجیح می دهد. چین نیز همین متد را در رفتار با رژیم ایران مد نظر قرار می دهد.

روزنامه همشهری در شماره روز شنبه ۹ آبان از امضای یادداشت تفاهم ایران و چین برای فروش ۱۰ میلیون تن گاز طبیعی مایع در هر سال، تا ۲۵ سال خبر داده که بین صد و دویست میلیارد دلار برای ایران درآمد خواهد داشت و آفتاب یزد در همین روز بر اساس این قرارداد احتمال داده که ایران در مناقشه هسته ای خود از حمایتهای چین و روسیه برخوردار شود.

باید توجه داشت که مسیر این بده و بستانها و قول و قرارها برای تبدیل آن از نسیه به نقد راهی هموار نیست. هم رژیم ایران و هم طرفهای مذاکره کننده خارجی این را به خوبی می دانند و برای این منظور است که حمید رضا آصفی، معاون و سخنگوی وزارت خارجه رژیم، گفته است که: «تعهدات اروپا باید ملموس، قطعی، دقیق و روشن باشد.» (روزنامه ایران - دوشنبه ۱۱ آبان)

روزنامه آفتاب یزد در شماره روز ۱۷ آبان از موضع وزیر خارجه چین در مورد ارجاع پرونده ایران به شورای امنیت انتقاد کرده و با اشاره به قرارداد بزرگ گاز، که هفته گذشته بین تهران و پکن امضا شد، نوشت: «کشورهای بزرگ در مواقع گرفتاری کشور های کوچک به میدان می آیند و با بستن قراردادهای امتیازات نقدی می گیرند و وعده های نسیه می دهند.» این روزنامه خواستار آن شده که: «از چین هم امروز تعهد گرفته شود که اگر پرونده ایران به شورای امنیت ارسال شد آن را وتو خواهد کرد و اگر چنین خبری اعلام شود، نیازی به باج دادن به اروپایی ها برای جلوگیری از ارجاع پرونده هسته ای به شورای امنیت نخواهد بود.»

اشاره روزنامه آفتاب یزد به آن بخش از سخنان وزیر امور خارجه چین است که در تهران گفت، وتو کردن در شورای امنیت کاری ساده که بتوان همیشه بدان متوسل شد نیست.

به جهت آگاهی سران رژیم ایران از مواضع روسیه و چین است که آنان در یک ارزیابی واقع بینانه به دامن اروپا متوسل می شوند و مجبور می شوند به میزانی در مذاکرات پاریس عقب نشینی کنند.

جلسه پاریس در روز ۱۵ آبان (۵ نوامبر) در محل وزارت خارجه فرانسه آغاز شده و تا بامداد روز بعد ادامه یافت. دبیر کمیته سیاست خارجی شورای عالی امنیت خامنه ای و سخنگوی هیات اعزامی به پاریس پس از پایان جلسه به خبرنگار رویتر گفت: «توافق یادشده در صورت نهایی شدن به این معناست که در اجلاس ماه نوامبر پرونده ایران به شورای امنیت سازمان ملل متحد ارجاع داده نخواهد شد.»

روز دوشنبه ۱۸ آبان روزنامه جام جم خبر داده که: «بر اساس توافقهایی به دست آمده، ایران تا زمان دستیابی به یک توافق جامع با طرفهای اروپایی، غنی سازی اورانیوم و فعالیتهای مرتبط با آن را متوقف می کند.» همشهری در شماره همین روز نوشت: «تنها دستاورد این مذاکره طولانی و غیرمفید این است که غنی سازی به عنوان یک حق قانونی از ما سلب گردد و در قبال آن وعده های شیرینی از سوی اروپاییها داده شود.»

دو روز بعد سیروس نصری که یکی از مذاکره کنندگان رژیم در پاریس بود می گوید: «آنچه ایران و اروپا در مذاکرات اخیر پاریس بدان دست یافتند صرفا یک توافق موقت و میانی است، ما به یک دوره آرامش نیاز داشتیم و این توافق می تواند این فرصت را در اختیار قرار دهد.» (شرق - ۲۰ آبان) و رفسنجانی می گوید: «در خصوص نتایج مذاکرات با طرفهای اروپایی باید حوصله کرد. عبور از این شرایط به سعه صدر احتیاج دارد.»

دلیل این که ولایت خامنه ای به «سعه صدر» و «به یک دوره آرامش نیاز» دارد را علی شمخانی در همین شماره روزنامه شرق توضیح داده است. او در جریان افتتاح کارخانه مدیران صنایع دفاعی گفت: «مانند پیکان موشک تولید می کنیم.» این البته جواب رسمی جمهوری اسلامی به سه کشور اروپایی نیست، اما جواب واقعی همین است. ساخت موشکهایی که اروپا را می تواند تهدید کند به اضافه تولید اورانیوم.

جواب رسمی رژیم یکشنبه شب ۲۴ آبان به طرفهای اروپایی در کاخ سعد آباد اعلام می شود و روز بعد این توافقنامه در تهران انتشار می یابد.

حسن روحانی در مصاحبه مطبوعاتی روز دوشنبه ۲۵ آبان اعلام کرد که: «ایران تعلیق تقریبا کامل غنی سازی اورانیوم را پذیرفت» و بنابراین موضوع ارجاع پرونده به شورای امنیت از نظر حسن روحانی فعلا متفی شده است.

حسن روحانی در همین مصاحبه مجبور به افشای نقش مزورانه علی لاریجانی که قاعده بازی را رعایت نکرده و گفته بود: «مروارید غلطان دادیم و آب نبات گرفتیم» شد و اعلام کرد که گوینده این سخن خود از موافقان توافقنامه بوده است.

البته روزنامه همشهری که حرف علی لاریجانی را نقل کرده بود در شماره روز سه شنبه ۲۶ آبان این حرف را به نیابت از علی لاریجانی پس گرفت و نوشت: «جمله در مصاحبه علی لاریجانی نیست و به اشتباه قید شده»

در متنی که به عنوان توافقنامه انتشار یافته (البته پرونده های ضمیمه آن تاکنون انتشار پیدا نکرده) تعهد رژیم ایران این گونه فرمولبندی شده است.

«به منظور اعتماد بیشتر، ایران به طور داوطلبانه تصمیم گرفته است که برنامه ی تعلیق خود را ادامه و توسعه داده تا شامل تمام فعالیتهای مربوط به غنی سازی و باز فرآوری و مشخصا تولید و واردات سانتریفیوژهای گازی و قطعات آن، مونتاژ، نصب، آزمایش و کار کردن سانتریفیوژهای گازی هر گونه اقدام برای جداسازی پلوتونیوم و یا ساخت یا اجرای تاسیسات جداسازی پلوتونیوم و کلیه ی آزمایشها یا تولید در هر تاسیسات تبدیل اورانیوم شود. اژانس از این تعلیق مطلع خواهد شد و از آن دعوت خواهد شد که بر آن نظارت و آن را تایید کند. تعلیق به موقع انجام خواهد گرفت، به شکلی که اژانس از این تعلیق مطلع خواهد شد و از آن دعوت خواهد شد که بر آن نظارت و آن را تایید نماید. تعلیق به موقع انجام خواهد گرفت به شکلی که اژانس بتواند قبل از اجلاس نوامبر شورای حکام اجرای آن را تایید نماید. تعلیق زمانی که مذاکرات برای یک توافق مورد قبول دو طرف در خصوص تصویب های دراز مدت پیش می رود، ادامه خواهد یافت.

سه کشور اتحادیه ی اروپا اذعان دارد که این تعلیق یک اقدام داوطلبانه اعتماد ساز است و نه یک الزام حقوقی. در مقابل این عقب نشینی ۳ کشور اروپایی متعهد شدند که یک «بسته تشویقی» به استبداد مذهبی و تروریستی حاکم بر ایران هدیه دهند که در آن تروریست خواندن سازمان مجاهدین خلق ایران جای خاصی به بیانیه داده است.

نکته مهم در این بخش از بیانیه این است که ۳ کشور اروپایی با برجسب تروریستی به مجاهدین خلق، هم رعایت خط سرخ رژیم را کردند و هم خود پشت سد ولایت فقیه متوقف شدند. البته در این تردیدی نیست که نه اروپا و نه آمریکا و نه هیچ کشور خارجی دیگر نمی توانند از ولایت فقیه عبور کنند. بارگاه ولایت تنها به دست مردم ایران بر سر ولی فقیه ویران خواهد شد. در ابتدای این یادداشت به استفاده رژیم ایران از تضادها و چالشهای جهانی اشاره کردم. تا آنجا که به نیروهای اصلی در کشورهای اروپایی بر می گردد، این کشورها با «یک جانبه نگری» که بیان دیگری از جهان «یک قطبی» است مخالفند و می کوشند تا این سیاست فاجعه بار را مهار کنند. اما تا آنجا که به «بسته تشویقی» به نظام ایران بر می گردد، این بسته نه در پاریس و یا لندن و برلین، بلکه در واشنگتن مورد تأیید قرار گرفته است. روز جمعه ۲۴ مهر گذشته روزنامه آمریکایی واشنگتن پست نوشت: «پس از چند هفته سیاست پشت پرده سرانجام امروز آمریکا و دیگر کشورهای صنعتی استراتژی مشتری را در مورد اعمال فشار بر ایران به منظور متوقف کردن برنامه های هسته ای این کشور اتخاذ خواهند کرد.» روز بعد خبرگزاریها پایان اجلاس هشت گروه صنعتی جهان در ساختمان وزارت خارجه آمریکا را اعلام کردند. این جلسه که به درخواست سه کشور اروپایی انگلیس، آلمان و فرانسه انجام شده بود با توافق مشروط آمریکا پایان یافت. آمریکا در این جلسه درخواست کرد که پس از اجلاس ماه نوامبر شورای حکام آژانس بین المللی انرژی اتمی و در صورت نبود نکته ای منفی در پرونده ایران حاضر است با «بسته تشویقی» اروپا به ایران مخالفت نکند. این نکته از رفتار اروپائیهائ نیز از دیده گردانندگان رژیم ولایت فقیه پوشیده نیست. بنابراین برای جمهوری اسلامی به سادگی میسر نیست که با دور زدن آمریکا، همزمان از تضادهایی که اروپا، روسیه و چین با این کشور دارند استفاده کرده بدون آن که هزینه لازم چنین بهره برداری را بپردازد. امروز ممکن است که تعلیق موقت غنی سازی در مقابل بسته تشویقی کارساز باشد. اما نظامی که به قیمت فقر و بی خانمانی مردم و با تعرض وحشیانه به سطح زندگی و معیشت کارگران و مزدبگیران برای پیوستن به سازمان جهانی تجارت از خود بی تابی نشان می دهد، نمی تواند هزینه سیاسی آن را بپردازد. خط سرخ واقعی برای رژیم ایران نه «توقف» غنی سازی، که امنیت ولایت فقیه است و این خط سرخ با بعضی از کادوهای درون بسته تشویقی در ستیز آشکار است. عقب نشینی امروز ولایت خامنه ای هنوز به مرز خط سرخ نرسیده است. رژیم از این که دولتهای اروپایی حقوق بشر را قربانی کنند استقبال می کند. رژیم به این توافق برای «یک دوره آرامش» نیاز دارد و برای این منظور از خود «سعه صدر» نشان می دهد تا بتواند مثل پیکان موشک تولید کند. خواست اصلی رژیم که «سلاح اتمی» و «فرصت عراق» نیز در خدمت آن است، تضمین بقا و به رسمیت شناختن آن به عنوان یک قدرت منطقه است. تضمین این خواست از طرف دولتهای اروپا و آمریکا و هر کشور دیگر البته با عالیتترین مصالح و منافع مردم ایران در تضاد است.

شنبه ۳۰ آبان ۱۳۸۳